Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۹۸۱
یکشنبه ۲۰/اردیبهشت/۱۴۰۵
۲۲ / ذوالقعده / ۱۴۴۷
10 / May / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۳۴۳-۰۲۶-۴۰۹۵ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۲۲۴ امروز با حافظ

گـر رود از پی خوبـان دل من معذور است
درد دارد چه کند کز پی درمان نرود
هر که خواهد که چو حافظ نشود سرگردان
دل به خوبان ندهد وز پی ایشان نرود

غزلواره

اشتیاقی که به دیدار تو دارد دل من
دل من داند و من دانم و دل داند و من

مولانا

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۲۷	۰۵:۰۴	۱۲:۰۳	۱۹:۰۱	۱۹:۲۱

برگه

باهوش‌ها از همه چیز و همه کس می‌آموزند. انسان‌های معمولی از تجربیات خود. نادان‌ها هم جواب همه چیز را دارند...

سقراط

گزارش روز

اینترنت فقط محل تبادل داده نیست

روایت صاحبان مشاغل از زندگی در عصر اینترنت ناپایدار

محدودیت و قطع اینترنت در ایران، از سلامت روان و اعتماد عمومی تا آموزش، اشتغال و کسب‌وکارهای خرد، زنجیره‌ای از آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی ایجاد کرده و همزمان با طرح ایده «اینترنت ویژه»، نگرانی‌ها درباره تعمیق نابرابری و شکل‌گیری اینترنت طبقاتی را افزایش داده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبرآنلاین، اینترنت فقط بستری برای ارتباط یا سرگرمی نیست؛ شریان حیاتی آموزش، پژوهش، درمان، اشتغال و مناسبات اجتماعی است. با این حال، هر بار که دسترسی به آن محدود یا مختل می‌شود، زندگی میلیون‌ها نفر در سطوح مختلف دچار اختلال می‌شود؛ از دانشجویانی که منابع علمی‌شان از دسترس خارج شده تا کارآفرینانی که در فضای مجازی مشتری می‌یابند و زنان یا جوانانی که کسب‌وکار دیجیتال، روزی‌شان را تأمین می‌کرد، همگی با مشکل مواجه می‌شند. کارشناسان می‌گویند این اختلال‌ها، تنها مشکل فنی یا مدیریتی نیست، بلکه قلب تپنده اعتماد عمومی و سلامت روان جامعه را هدف گرفته است. همزمان، طرح‌هایی چون «اینترنت پرو» نگرانی‌ها را نسبت به نابرابری و تبعیض دیجیتال تشدید کرده است.

اینترنت؛ زیرساختی فراتر از یک ابزار روزمره

در جهان امروز، اینترنت به یکی از بنیادی‌ترین زیرساخت‌های زندگی علمی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. دسترسی پایدار به آن، دیگر یک امکان لوکس یا حاشیه‌ای نیست، بلکه بخشی از زیست روزمره شهروندان و شرط حضور در جریان‌های اصلی دانش، فرهنگ و اقتصاد به شمار می‌رود. در آموزش، اینترنت امکان دسترسی به کتابخانه‌های دیجیتال، دوره‌های پرخط و منابع به‌روز را فراهم کرده و در پژوهش نیز تبادل داده، همکاری بین‌المللی و انتشار یافته‌های علمی بدون آن تقریباً ناممکن شده است. این وابستگی فقط به محیط‌های دانشگاهی و تخصصی محدود نمی‌شود. اینترنت بستر شکل‌گیری بسیاری از مشاغل نوین و اقتصاد دیجیتال است و برای شمار زیادی از جوانان تحصیل‌کرده، زنان، فریلنسرها و صاحبان کسب‌وکارهای کوچک، عملاً ستون اصلی کار و هویت حرفه‌ای محسوب می‌شود. به همین دلیل، هر اختلال در این بستر، به‌سرعت از یک مسئله فنی به یک مسئله اجتماعی و معیشتی تبدیل می‌شود.

سلامت روان در سایه اختلال

یکی از نخستین لایه‌های آسیب، در حوزه سلامت روان خود را نشان می‌دهد. به گفته امیرحسین جلالی ندوشن، سخنگوی انجمن روانپزشکان ایران، قطع اینترنت می‌تواند احساس غربت، درماندگی و بی‌ثباتی را در جامعه تشدید کند. از نگاه او، اینترنت فقط محل تبادل داده نیست؛ فضایی است که افراد از طریق آن با جهان بیرون، شبکه‌های حمایتی، اخبار و حتی حس عادی بودن زندگی روزمره پیوند برقرار می‌کنند. وقتی این دسترسی ناگهان دچار اختلال می‌شود، شهروندان با نوعی ابهام مضاعف مواجه می‌شوند؛ ابهامی که به‌ویژه در شرایط بحرانی، اضطراب و فشار روانی را افزایش می‌دهد.

این تأثیر روانی، زمانی پررنگ‌تر می‌شود که مدیریت این وضعیت از نگاه افکار عمومی شفاف و قابل پیش‌بینی نباشد. در چنین شرایطی، مسئله فقط قطع یک سرویس نیست، بلکه نوعی احساس بی‌پناهی در برابر تصمیم‌هایی است که مستقیماً بر زندگی روزمره مردم اثر می‌گذارند.

فرسایش اعتماد عمومی و تعمیق شکاف اجتماعی

انجمن جامعه‌شناسی ایران و شماری از جامعه‌شناسان، محدودیت اینترنت را صرفاً یک سیاست فنی یا امنیتی نمی‌دانند، بلکه آن را عاملی برای فرسایش اعتماد عمومی و تشدید احساس «محرومیت نسبی» توصیف می‌کنند. از این منظر، وقتی شهروندان می‌بینند دسترسی به یک امکان عمومی و فراگیر محدود می‌شود یا به‌طور نابرابر در اختیار گروه‌هایی خاص قرار می‌گیرد، احساس تبعیض و بی‌عدالتی تشدید می‌شود. سمیه توحیدلو، جامعه‌شناس، هشدار داده است که ایده‌هایی مانند «اینترنت پرو» یا «اینترنت ویژه» می‌تواند به شکل‌گیری «اینترنت طبقاتی» بینجامد؛ الگویی که در آن، دسترسی به یک زیرساخت حیاتی نه بر اساس حق عمومی، بلکه بر مبنای امتیاز توزیع می‌شود. چنین روندی به تعمیق شکاف دیجیتال، بازتولید نابرابری و افزایش خشم اجتماعی منجر خواهد شد.

بیانیه انجمن جامعه‌شناسی ایران نیز با تأکید بر اینکه دسترسی به اینترنت بخشی از حقوق طبیعی و عمومی شهروندان است، هشدار داده ادامه این روند می‌تواند به «کالایی و طبقاتی شدن یک حق عمومی»، «بی‌اعتمادی ساخت‌یافته» و حتی تهدید انسجام ملی بینجامد.

اقتصاد دیجیتال؛ ضربه به معیشت و فرصت

یکی از ملموس‌ترین پیامدهای محدودیت اینترنت، در اقتصاد و معیشت مردم دیده می‌شود. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، فروشگاه‌های آنلاین، فعالان شبکه‌های اجتماعی، فریلنسرها، شرکت‌های نوپا و مشاغل خانگی، بیش از هر گروه دیگری به اتصال پایدار نیاز دارند. قطع یا محدودسازی اینترنت، برای این گروه‌ها فقط یک مزاحمت فنی نیست، بلکه مستقیماً به کاهش درآمد، از دست رفتن مشتری و بی‌ثباتی شغلی منجر می‌شود.

در این میان، یوم‌گردی‌ها نمونه روشنی از این آسیب هستند. به گفته رئیس انجمن یوم‌گردی ایران، بسیاری از اقامتگاه‌های یوم‌گردی در مناطق دورافتاده، معرفی خدمات و جذب مشتری خود را از طریق اینستاگرام و فضای مجازی انجام می‌دادند و محدودیت اینترنت عملاً ابزار اصلی تبلیغات آن‌ها را از بین برده است. در نتیجه، این مراکز نه‌تنها با کاهش سفر و فشار اقتصادی روبه‌رو شده‌اند، بلکه راه ارتباط با مشتریان و بازار خود را نیز از دست داده‌اند.

زنان، جوانان و خطر خروج سرمایه انسانی

شیرین احمدنیا رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران، تأکید می‌کند که پیامدهای این وضعیت برای زنان و جوانان سنگین‌تر است. بسیاری از زنان از طریق آموزش مجازی، مشاغل خانگی آنلاین و فعالیت در بازار دیجیتال توانسته‌اند استقلال مالی بیشتری به دست آورند. محدودیت اینترنت برای این گروه، می‌تواند به معنای از دست رفتن درآمد، کاهش عزت‌نفس و بازگشت به انزوا باشد. برای جوانان نیز که سرمایه اصلی‌شان ارتباط، مهارت و خلاقیت دیجیتال است، این اختلال‌ها به ناامیدی، مهاجرت شغلی و در نهایت خروج سرمایه انسانی از کشور دامن می‌زند.

در همین چارچوب، رئیس سازمان نظام پرستاری نیز یا رد درخواست دسترسی ویژه برای این سازمان، بر اصل برابری حقوق تأکید کرده و گفته است نمی‌توان برای گروهی دسترسی متفاوت خواست، در حالی که عموم مردم با محدودیت روبه‌رو هستند. این موضع، بازتابی از همان نگرانی گسترده نسبت به دوگانه‌سازی در دسترسی و تعمیق حس تبعیض در جامعه است.

راهی که پیش‌روست

در برابر این وضعیت، کارشناسان علوم اجتماعی راه‌حل را نه در محدودسازی بیشتر، بلکه در «مدیریت فرهنگی»، تقویت سواد دیجیتال، شفافیت در تصمیم‌گیری و به رسمیت شناختن اینترنت به‌عنوان یک حق عمومی و زیرساخت حیاتی می‌دانند. مسئله امروز، دیگر فقط کیفیت اتصال نیست؛ بحث بر سر کیفیت حکمرانی، عدالت در دسترسی و نسبت دولت با جامعه در عصر دیجیتال است. اگر اینترنت در زندگی امروز به شریان آموزش، کار، سلامت و ارتباط بدل شده، هر تصمیم درباره آن نیز مستقیماً بر سرمایه اجتماعی، امید عمومی و آینده توسعه کشور اثر خواهد گذاشت.

اشاره

آموزش مجازی؛ خستگی خانواده‌ها و دغدغه کلاس‌های آنلاین

کلاس‌های مجازی مدارس چه آورده‌ای برای دانش آموزان داشته است؟ آیا خانواده‌ها از برگزاری کلاس‌ها و کیفیت آموزش راضی هستند؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از تابناک، از یک سو، بسیاری از خانواده‌ها از آموزش مجازی خسته شده‌اند و به دلیل کیفیت پایین دوره‌های مجازی، خواهان بازگشایی مدارس هستند. از سوی دیگر، با توجه به شرایط کشور، وزارت آموزش‌وپرورش تأکید می‌کند که این تصمیم در حال حاضر امکان‌پذیر نیست. در این میان نظارت بر کلاسهای مجازی یک ضرورت است.

علیرضا کاظمی، وزیر آموزش‌وپرورش، گفته است: «در نگاه اول شاید اینگونه به نظر برسد که می‌توان مدارس را باز کرد، اما بازگشایی مدارس یک تصمیم ملی است و امنیت و سلامت دانش‌آموزان خط قرمز ماست».

از زمان جنگ رمضان، بیشتر مدارس کشور به صورت مجازی و از طریق سامانه «شاد» به فعالیت خود ادامه داده‌اند. آموزش‌وپرورش اعلام کرده که فعلاً وضعیت مجازی ماندگار است، اما بخش قابل توجهی از خانواده‌ها معتقدند کیفیت آموزش آنلاین به شدت پایین آمده و بچه‌ها از درس بازمانده‌اند. وزارت آموزش‌وپرورش اما می‌گوید که بازگشایی مدارس تابع سیاست‌گذاری کلان کشور است. کاظمی تأکید کرده: «به محض عادی شدن شرایط، حتی اگر یک روز از سال تحصیلی باقی مانده باشد، مدارس را حضوری می‌کنیم.»

کلاس مجازی که کلاس نیست

نکته مهم‌تر اما جایی است که برخی مدارس و معلمان، آموزش مجازی را جدی نمی‌گیرند. خانواده‌ها در تماس با تابناک گزارش داده‌اند که در بسیاری از موارد، معلم فقط یک فیلم ضبط شده برای دانش‌آموزان ارسال می‌کند و بس. نتیجه این روند، افت شدید کیفیت یادگیری و آسیب جدی به نسل دانش‌آموز است.

بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد تنها معدودی از مدارس در تهران و شهرستان‌ها هستند که با نظارت دقیق مدیریت، کلاس‌های آنلاین تعاملی و گفت‌وگو محور برگزار می‌کنند.

آیسان، یکی از دانش‌آموزان ساکن حوالی میدان منیریه تهران، روایتی متفاوت دارد. او می‌گوید: «در مدرسه ما، با مجازی شدن کلاس‌ها، نظارت خیلی بیشتر شده و درس‌ها دقیق‌تر برگزار می‌شود.» خانواده آیسان هم از وضعیت رضایت کامل دارند.

اما در مقابل، خیلی از دانش‌آموزان و خانواده‌ها از این شرایط ناراضی‌اند. پارسا، یکی از این دانش‌آموزان، با طعنه می‌گوید: «می‌ریم به حضوری می‌زنیم، بعد می‌خوابیم تا زنگ بعد دوباره همین اتفاق بیفتد».

حداقل انتظار: نظارت، برخورد و شفافیت

در چنین شرایطی، کم‌ترین خواسته خانواده‌ها از آموزش‌وپرورش، نظارت جدی بر فرآیند آموزش مجازی و برخورد با معلمان و مدارس کوتاهی‌کننده است. ضمن اینکه سامانه «شاد» هم با اختلالات متعدد در ارائه دروس مواجه است و برخی مدارس ناچارند از سامانه‌های دیگر استفاده کنند. علاوه بر این، ابهام درباره نحوه برگزاری امتحانات، شیوه جدید کنکور و زمان دقیق آن، سردرگمی را دوچندان کرده است. کارشناسان آموزشی معتقدند آموزش‌وپرورش باید به طور شفاف اعلام کند که نظارت بر مدارس و دوره‌های مجازی چگونه انجام می‌شود و مکانیسم پیگیری تخلفات چیست.

در شرایط کنونی، تداوم آموزش مجازی بی‌کیفیت و بدون نظارت کافی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به دانش‌آموزان وارد می‌کند. افت شدید یادگیری و انباشتگی عقب‌ماندگی تحصیلی، اصلی‌ترین پیامد این وضعیت است؛ چراکه جایگزینی کلاس تعاملی با ارسال فیلم‌های ضبط‌شده یا حضور صرفاً نمادین، توانایی حل مسئله و تفکر انتقادی دانش‌آموزان را تضعیف می‌کند. این آسیب‌ها در دانش‌آموزان کم‌برخوردار که به تجهیزات مناسب یا اینترنت پایدار دسترسی ندارند، عمیق‌تر است و شکاف آموزشی و عدالت آموزشی را تشدید می‌کند.

علاوه بر این در بلندمدت، عدم نظارت مدرسه بر فرآیند یادگیری، بی‌انگیزگی، تقلب، افت نمرات و چه بسا ترک تحصیل را در پی دارد. جمع این عوامل، نسلی را رقم می‌زند که از نظر علمی، روانی و مهارتی با عقب ماندگی قابل توجهی مواجه خواهد شد.

برش

یادداشت خودکشی جفری اپستین تا حالا کجا بود؟

در پی انتشار جزئیات تازه درباره یادداشت اعتمادی خودکشی جفری اپستین، فشارها بر وزارت دادگستری آمریکا برای انتشار این سند افزایش یافته است؛ مقامات قضایی و برخی قانون‌گذاران خواستار شفافیت بیشتر در این پرونده بحث‌برانگیز شده‌اند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دیروزبان، این یادداشت که گفته می‌شود اپستین پیش از مرگش در سال ۲۰۱۹ در زندان فدرال نیویورک نوشته، تاکنون به‌طور عمومی منتشر نشده و همچنان تحت دستور قضایی محرمانه باقی مانده است.

وجود این سند برای نخستین بار از سوی هم‌بندی سابق او، نیکلاس تارتالیونه، مطرح شد؛ فردی که بعدها به‌دلیل جرایم قتل محکوم شد. گزارش‌ها حاکی است که او این یادداشت را درون یک کتاب یا رمان گرافیکی در سلول زندان پیدا کرده است.

بر اساس روایت‌ها، در این یادداشت عباراتی وجود داشته که به خداحافظی اشاره می‌کند و ممکن است نشان‌دهنده وضعیت ذهنی اپستین در روزهای پایانی زندگی‌اش باشد. برخی گزارش‌ها همچنین حاکی از آن است که این سند می‌تواند حاوی اظهاراتی درباره بی‌گناهی او یا انتقاد از روند تحقیقات باشد، هرچند جزئیات دقیق آن به‌طور رسمی تأیید نشده است.

نکته قابل توجه این است که این یادداشت هرگز در اختیار بازرسان اصلی پرونده قرار نگرفته و در عوض در چارچوب پرونده حقوقی تارتالیونه مهر و موم شده است.

به گفته منابع، این سند به‌دلیل ارتباط با دفاعیات حقوقی این زندانی، تحت «امتیاز وکیل—موکل» قرار گرفته و همین امر مانع انتشار عمومی آن شده است.

اکنون رسانه‌هایی مانند نیویورک تایمز با ارائه درخواست رسمی به دادگاه، خواستار رفع محرمانگی این یادداشت شده‌اند. دادستان‌های فدرال نیز به این درخواست پیوسته‌اند و استدلال کرده‌اند که با توجه به افشای عمومی بخش‌هایی از محتوا توسط تارتالیونه، دیگر دلیلی برای ادامه محرمانه بودن آن وجود ندارد.

این تحولات در حالی رخ می‌دهد که مرگ اپستین همچنان یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های سال‌های اخیر در آمریکا به شمار می‌رود. او در اوت ۲۰۱۹ در حالی که با اتهامات سنگین قاچاق جنسی روبه‌رو بود، در سلول خود جان باخت؛ مرگی که به‌طور رسمی خودکشی اعلام شد، اما به‌دلیل مجموعه‌ای از نارسایی‌های امنیتی و ابهامات موجود، همچنان محل تردید و گمانه‌زنی است.

منتقدان می‌گویند انتشار این یادداشت می‌تواند به روشن‌تر شدن شرایط روزهای پایانی زندگی اپستین کمک کند و شاید بخشی از ابهامات موجود را کاهش دهد. در مقابل، برخی دیگر هشدار می‌دهند که حتی در صورت انتشار، این سند ممکن است پاسخ قطعی به پرسش‌های کلیدی ندهد.